

گشتی در دنیای سینما



آلیسی ویکاندِر این بار صرفاً اهدا کننده جوایز بود

جایزه دارانی که جایزه دادند

مراسم اهدای هفتاد و پنجمین دوره جوایز معتبر سینمایی گلدن گلوب که به تازگی در به‌ورلی هیلز در شهر لس‌آنجلس آمریکا برگزار شد، از نامداران متعددی به‌عنوان توزیع‌کنندگان جوایز بهره گرفت. در مراسمی که اجرای تلویزیونی آن با ست‌میز بود و سه ساعت طول کشید و از شبکه NBC آمریکا پخش مستقیم شد، امثال الیسبا ویکاندِر، شرلی مک‌لین، کارول برنت، اما واتسون، جی‌کی سیمونز، ایمی پولی، کریس همزوروت، هاله بری، پنه لویه کروز، هیو گرنت، لیزابل هویو و سارا جسیکا پارکر به نوبت و یک به یک به روی «سن» دعوت شدند و جوایز برندگان را اهدا کردند. در میان افراد فوق ویکاندِر سابقه فتح یک جایزه گلدن گلوب بهترین بازیگر نقش دوم آن را دارد و برنت ۵ مجسمه گلدن گلوب را به‌خانه برده است و مک‌لین کهنه‌کار که ۸۰ سال سن را هم در کرده است، از تمام افراد فوق فراتر رفته و شش جایزه گلدن گلوب را در کلسیون افتخارات خود دارد.

اسکات: سازندگان جنگ ستارگان آدم‌های مطیع می‌خواهند

ریدلی اسکات کارگردان ۸۰ ساله بریتانیایی که همچنان فعال است، هفته پیش گفت اطمینان دارد که هرگز ساخت قسمتی از سری فیلم‌های فانتزی و معروف «جنگ ستارگان» به وی سپرده نخواهد شد. زیرا او مستقل و مقتدر است و می‌داند چه می‌خواهد و همان را نیز عملی می‌کند حال آنکه والت دیسنی و لوکاس فیلمز که استودیوهای تولیدکننده فیلم‌های این فرانچیز ۲۱ ساله هستند کارگردان‌هایی را می‌خواهند که به رأی آنها گردن بگذارند و همان‌طور عمل کنند که آنان می‌خواهند. اسکات که کارگردانی قسمت دوم «پلیدران» فیلم علمی-تخیلی سال ۱۹۸۲ خود را به دنیس ویله نوو کانادایی سپرد ولی در پردازش داستان و سناریو این فیلم هم نقش بازی داشته است، افزود: جای تعجب ندارد که آنها برای ساخت قسمت هشتم «استاروارز» رایان جانسون را انتخاب کردند زیرا او وامثال وی از دنیای فیلم‌های مستقل و کم‌هزینه می‌آیند و وقتی ناگهان سکانداریک فیلم ۲۰۰ میلیون دلاری می‌شوند چنان به ذوق می‌آیند که هرچه به آنها می‌گویند اطاعت می‌کنند.

پیام ویژه دختر «گری فیشر»



بیلی اچود (چپ) در کنار مادر فیدش گری فیشر (راست) در واپسین مامه‌های حیات فیشر

بیلی اورد دختر کتری فیشر هنرپیشه زن فقید هالیوود که با بازی در سری فیلم‌های «جنگ ستارگان» بسیار مشهور شد، در نخستین سالگرد درگذشت مادرش به شکلی ویژه از او قدردانی کرد. وی گفت: به مناسبت سالگرد فوت مادرم سفری به شمال نورژ در منطقه اسکاندیناوی اروپا داشتم تا با پدیده نوافشانی‌های شمالی که در این موقع از سال در افق این منطقه قطبی خود نمایی می‌کند پیش از پیش آشنا و همسو شوم و این اتفاق خوشبختانه افتاد. قلمی برداشتم تا روی مه بالای سرمان بنویسم که مادر، تا ابد دوست دارم و او از بهشت مرا ببیند پیام را بخواند. شایان ذکر است که فیشر در ۶۱ سالگی بر اثر ایست قلبی در جریان سفر با هواپیما جان باخت و این روزها با پخش قسمت هشتم و بسیار پرطرفروش فیلم‌های استاروارز که آخرین فیلم اوست، یک بار دیگر مقابل سینما دوستان و البته دخترش قرار گرفته است.

در دنیای آخرین روزهای قاهره

شرکت بیگ وورد پیکچرز آمریکا امتیاز پخش یک فیلم ساخته شده توسط تام السید مصری به نام «آخرین روزهای شهر» را در سطح آمریکای شمالی خریداری کرده است. این فیلم که تهیه آن از سال ۲۰۱۱ و در بدو تکوین انقلاب مصر و روی کار آمدن محمد مرسی اسلام‌گرا در این کشور آغاز شد ولی کامل شدن آن تا سال ۲۰۱۶ به درازا انجامید. نشانگر تلاش‌های یک کارگردان است که می‌کوشد فضای شهر قاهره در آن سال‌های سخت و پرپر خورد و جریان محاکمه حسنی مبارک و قدرت گرفتن مرسی و سپس خلع و بازداشت وی را به تصویر بکشد و نشان بدهد که چطور فضای قاهره و گرایش‌های موجود در آن طی ۶ سال اخیر دامن تغییر یافت و محیط پیرامونی مردم هر سال به شکلی متفاوت درآمد. تام السید در این فیلم نخستین مرتبه کارگردانی‌اش را تجربه کرده است اما فیلم جوشنوار که حاصل سال منظر ما اهمیت ندارد.» در کالیگاری را گرفت و در چند جشنواره دیگر هم تحسین شد.

فرار هافمن از صحبت درباره اتهاماتش



جان اولیور (چپ) و مصافی نه‌چندان پررسم با داستین هافمن (راست)

۷ زن آمریکایی که داستین هافمن هنرپیشه مشهور ۸۱ ساله را متهم به تعدی به خود در سال‌های گذشته و در ایام میانسالی و جوانی خود و هافمن کرده‌اند، هفته پیش از جان اولیور مجری تلویزیون و کمدین آمریکایی به‌خاطر مطرح کردن این مسأله با هافمن در یک برنامه تلویزیونی و صحبت صریح بین آنها تشکر کردند. در بیانیه آنها خطاب به اولیور آمده است: «این بسیار مهم است که شما به صراحت از هافمن پرس و جو کردید و اینکه به سبب فرار هافمن از صحبت در این باره گفت‌وگویمان کم حاصل ماند، از نظر ما اهمیت ندارد.» در میان متهم‌کنندگان هافمن ۵ زن خود را به‌طور کامل معرفی کرده‌اند ولی دونفر به قصد پرهیز از آبروزیری از افشای نام‌شان خودداری کرده‌اند اما شرح ما وقع و چگونگی حملات هافمن به خودشان را شرح داده‌اند. اولیور هم گفته است: شاید سوالات من ایده‌آل نبوده باشد اما جواب‌های هافمن هم برت و پاد بود و اسباب تأسف شد.

فیلم هفته

ومال روحانی

وقتی چندی پیش گفته شد «خط صاف‌ها» (یا «خط افقی‌ها») فیلم بتدریج کلاسیک شده سال ۱۹۹۰ جوئل شوماخر در دست بازسازی است، خیلی‌ها در هالیوود پرسیدند دیگر چه چیزی را بهتر از آن فیلم می‌توان ساخت که چنین کوششی را موجه جلوه بدهد و ایرادگیران حرفه‌ای نیز گفتند چرا ایده‌های نو در جوامع سینمایی غرب این قدر اندک است که

استودیوهای ارانه کارهای جدید خود مکررا به سوی آثار قدیمی می‌روند. در نهایت مشخص شد که «خط افقی‌ها» تازه نه دنباله‌ای بر فیلم نخست بلکه دوباره‌سازی آن است و بدتر اینکه توقعات فنی بالایی که از آن می‌رفت برآورده نشده است. «Flatliners» درباره چند پزشک جوان است که به هر دلیل موجه یا غیرموجه تصمیم می‌گیرند با آزمایشی ویژه قلب خود را بسرای دقیقه‌ای از کار ببندازند و به عالم مرگ بروند و سپس با کمک افرادی که بالای سرشان هستند و بر این پروسه نظارت و مدیریت می‌کنند، به صحنه حیات برگردند و به این ترتیب طعم مرگ را بیچشند و آن هم قبل از اینکه ثانیه‌های مرگ و خروج از دنیای فانی به حدی برسد که آسیمی غیر قابل جبران به‌سلول‌های مغز آنان وارد کند.

با توجه به پیشرفت خیره‌کننده امور فنی و جلوه‌های ویژه و سایر ادوات و نرم افزارهای سینمایی توقع این بود که «Flatliners» جدید که ۲ ماه از اکران آن در سطح جهان می‌گذرد، بسیار مدرن‌تر و به لحاظ بصری به‌غایت چشمگیرتر از نسخه‌های باشد که ۲۸ سال پیش عرضه شده اما این چنین نشده است. شاید نیلر آرند اولف اصولاً ایده‌آل‌ها و اهداف دیگری داشته اما این نکته محرز است که «خط افقی‌های جدید پیش از آنکه به فکر بالا بردن مشخصه‌های فنی و غنای بصری خود باشد، مانند فیلم اوریزنل در بند و افسون قصه خود مانده و همان را برای کشیده تماشاگران به سمت فیلم خود کافی انگاشته است.

درباره بازسازی «خط افقی‌ها»، فیلم کلاسیک سال ۱۹۹۰ جوئل شوماخر

جذابیت‌های بازگشت از دنیای مرگ

شاید اولف با تکیه بر جذابیت موضوع و بازگشت از وادی مرگ و ورود مجدد به‌عرصه زندگی چیزی را به‌عنوان سلاح اضافی نظلبوده است و فروش ۴۴ میلیون دلاری فیلم در آمریکا و کانادا و سودسازی ۵۳ میلیون دلاری آن در سایر کشورها و قاره‌ها تأییدی نسبی و کوچک بر فرضیه و طرز نگارش وی به حساب آید اما نمی‌توان این را مایه حسرت ندانست که با سیاستگذاری‌ها و روش کار انتخابی آرند اولف به‌نظر می‌رسد که برخی دستاوردهای اجتماعی و توفیق‌های در دسترس از این نسخه تازه دریغ شده و این فیلم به دست خود را رسیدن به سطوحی عالی‌تر باز مانده است.

۳-۲ به‌سودزنان

در موارد متعددی، این نسخه بازسازی شده با نسخه اوریزنل تفاوت‌هایی دارد و یکی از آنها در زمینه تعیین بازیگران فیلم است و شاید قسمتی از این تغییر بازیان شرایط تغییر یافته مدارس عالی پزشکی در قیاس با زمان تهیه فیلم اولیه باشد. براین اساس نسبت زنان به مردان در جمع بازیگران اصلی فیلم دوم به ۲-۳ به‌سود زنان تغییر یافته و البته در تضاد با فیلم اول هنرپیشه‌هایی بارشبه‌وتبار آسیایی‌ها هم در بین آنها مشاهده نمی‌شوند. در فیلم جدید طرح این خودکشی‌های موقتی و مرگ طلبی‌های لحظه‌ای نه یک مرد بلکه یک زن است و آن زن پزشک‌یار کورتنی نامیده می‌شود و ایفای نقش او با آلن بیچ است.

جان چو از سری فیلم‌های جدید «جن‌گیر» می‌گوید

فرار از اهریمن‌های درون



جان چو (چپ) در نمایش از مجموعه تلویزیونی «جن‌گیر»

سریال جدید «جن‌گیر» که البته خیال و ادعای رقابت با فیلم افسانه‌ای و ترسناک و بشدت تأثیرگذار سال ۱۹۷۲ ویلیام فریدن را ندارد، اخیراً وارد سیزون دوم خود شده و این پرل‌سدر روحانی توماس اورنکا (با بازی التونسو هررا) و مارکوس کین (بن دانی یلز) در تلاش خود برای یافتن شیطان دست به سفر زنده‌اند و همسویان آن‌درو کیم (جان چو) یک روان‌شناس کودک که یک سازمان بررسی وضعیت بچه‌های بی‌سپرست و محتاج کمک را به راه انداخته، متوجه می‌شود یکی از کودکان تحت قیمومیتش توسط یک نیروی شیطانی و مقتدر هولناک تهدید می‌شود. به این ترتیب دومتخصص جن‌گیری مذکور به کمک فراخوانده می‌شوند و جان چو در مصاحبه پیش رو درباره ترس از بودن روند تسخیر یک کودک توسط شیطان و برخی مسائل دیگر این سریال سخن می‌گوید و همین‌طور بیرون قسمت تازه‌ای از سری فیلم‌های تلویزیونی و سینمایی «سفرستاره‌ای»، که «فرانچایز ۵۲ ساله شده است.

مصاحبه هفته

آقای جان چو، تصور نمی‌شود بعد از فصل اول «جن‌گیر» و اتفاقات جذاب آن چیزی را رو کنید که بدان برابری کند اما ظاهراً در این کار موفق شده‌اید. این طور نیست؟ بله، من هم از این روند موفق شگفت زده‌ام. وقتی کاراکترهای مارکوس و توماس در وسط روند جان‌گیری خود به تصویر کشیده شده و سپس وادار به حضور در سازمان رسیدگی به امور بچه‌های بی‌سپرست می‌شوند، بهترین نقطه آغاز برای سیزون دوم خلق می‌شود. این مسائل کمک می‌کنند تا روند معرفی و اضافه شدن کاراکتر من به این فصل تازه هم کامل و پرمعنا تر شود. بواقع نه فقط توضیحات و یادآوری‌های لازم در یکی دو اپیزود اول راجع به ریشه‌های جن‌گیری در مجموعه نخست ارائه می‌شود بلکه کارگردان از ورق زدن تدریجی دفتر حیات اندی‌کیم یعنی کاراکتر من، و او اقدم به قدم بیشتر و بهتر به داستان‌گان معرفی می‌کند. البته بدینسان‌ها به گونه‌ای است که حتی اگر فصل اول را ندیده باشید، از

یکی از بازیگران کلیدی فیلم نخست و مرد جوانی که شکوه بیرونی در این مأموریت کمی تا قسمتی احماقه را تبلیغ و درباره آن سختکوشی می‌کرد، کیفر ساتراند در اوایل راه شهرتشان بود اما نقش وی در نسخه تازه به چهره‌ای چون جولیا رابرتز وار سپرده شده و به زن ملایم و مهربانی که دائماً اندوه از دست رفگان خود را می‌خورد و اگر در عملیات مرگ موقتی پزشکان می‌برد که کورتنی در آن یک «اترن» پزشکی مشغول آخرین مراحل کارآموزی خویش است. این مکان به کلی متفاوت با محل روشنگرانه و اتاق آذین‌شده‌ای است که مأموریت دیوانه وار پزشکان ماجراجو و جوان در فیلم اصلی در آن انجام می‌شد ولی به‌موازات شرایط بسیار مدرن‌تر و

رصدوا سکن مغز

پس از یک‌سری مقدمه‌چینی‌ها و معرفی‌های اولیه، فیلم ما را به محلی می‌برد که کورتنی در آن یک «اترن» پزشکی مشغول آخرین مراحل کارآموزی خویش است. این مکان به کلی متفاوت با محل روشنگرانه و اتاق آذین‌شده‌ای است که مأموریت دیوانه وار پزشکان ماجراجو و جوان در فیلم اصلی در آن انجام می‌شد ولی به‌موازات شرایط بسیار مدرن‌تر و

کارآمدتر امروز، تمامی پزشکان وسیله‌ای انگشتر وار را بر دست خویش دارند که به آنها مجال و امکان می‌دهد فعالیت‌های مغز خود را در هر شرایطی رصد و اسکن کنند و اگر عیبی در آن می‌یابند، به رفع آن همت گمارند. **وقتی راه بازگشت پادشان روی رود** همراهان کورتنی در این مأموریت دیوانه‌وار سوفیا (کرسی کله‌موز) و جیمی (جیمز نورتون) هستند و آنها توافق می‌کنند کورتنی را که نشئه کشف و لمس مسائل و ویژگی‌های زندگی در آن دنیا و بواقع تجربه کردن مرگ است، به سوی این‌ها هدف رهنمون کنند و قلب او را برای ۶۰ ثانیه ۲۸ بار بعد از فیلم اصلی می‌شود مشترک مرگ آسا مشخص می‌شود. منبع: Empire

اجتماع جیمز باند‌ها در سرزمین پایی!

سینمای ۲۰۱۸

بعد از عرضه بسیاری از فیلم‌های دنباله‌ای، بینندگان این سؤال بدیهی و قابل فهم را از یکدیگر می‌کنند که آیا پس از آن آثار نخست قابل توجه لزومی داشت که فیلم‌های دوم و سوم نیز ساخته شوند و این برای قسمت دوم «مرد پادشاه» هم که اخیراً با نام جنی «دایره طلایی» به نمایش درآمده و فروش قابل توجهی نیز داشته، صدق می‌کند. فیلم نخست که محصول ۲۰۱۵ و کارگردانی شده توسط متیون بود، یک مأمور مخفی جیمزباند وار را با موفقیت فرآوری بینندگان قرار می‌داد ولی نسخه جدید به طول مدت ۱۴۱ دقیقه حالت یک فیلم پیش از حد بسط یافته را دارد که هر چند تمیز و شسته و رفته از آب درآمده اما برابری یافتن با فیلم نخست که نام جنی آن «سرویس مخفی» بود و در سطح جهان ۴۱۵ میلیون دلار پولسازی کرد، برایش نزدیک به غیرممکن بوده است.

در نمای آغازین فیلم یک ماجرای تعقیب و گریز با اتومبیل به سبک و روش «مأمور ۰۰۷» به نمایش گذاشته می‌شود، اما این بیش از آنکه تماشاگران را در مسیر قصه قرار بدهد، به یک صحنه احماقه شبیه است. مرد خوب قصه، آگری ان وین (با بازی تارون اچرنون) نام دارد و او یک مأمور مخفی تمام عیار مچهر به قابلیت‌های رزمی است و در قسمت‌های پایانی فیلم نخست هم وضعیت‌اش به گونه‌ای بود که انگار وظیفه مبارزه به خلافکاران را از هر هارت (کالین فرت) تحویل گرفته است ولی دیری نمی‌پاید که سروکله هارت در فیلم دوم نیز پیدا می‌شود و زمانی و در این فیلم خاص از سوی آدم بدی به نام پایی (جولی یین مور) تهدید می‌شود. پایی رئیس یک کارتل توزیع مواد مخدر به نام دایره طلایی است که در سطح جهان نفوذ و فروش زیادی دارد و کارش به حدی رسیده که رئیس جمهوری آمریکا (بریس گرین وود، ایفاگر نقش جان اف کندی در فیلم «۱۳ روزه» محصول ۲۰۰۴) از صحنه زندگی حذش بخاهد کرد. پاپ در جوار عملیات شیطانی و نیات پلید خود یک پارک تفریحی مدل دهه ۱۹۵۰ به نام پایی لند را هم به راه انداخته و در آن انواع و اقسام وسایل تفریحی را تعبیه کرده و هر چیزی را که در دوران کودکی دوست می‌داشته در این پارک گرد آ کرده است. نوازنده موسیقی محبوب او در تالار نمایشی این سرزمین هم کسی نیست بجز اتون جان معروف که در این فیلم نقش خودش را بازی می‌کند و همان موزیسین شوریده سر و مستعد اما غیر قابل اعتماد است و متیون که کارگردان این فیلم متعلق به کمپانی‌های کلادی پروداکشنز و



پوستر فیلم «مرد پادشاه: دایره طلایی»

فاکس را هم بر عهده دارد، مجموعه‌ای از ترانه‌های عمر ۵۰ ساله هنری اتون جان را هم روی فیلم و در مسیر قصه برای بینندگان پخش می‌کند تا خاطره ساز شوند. متیون که سناریوی این فیلم را به اتفاق دوست و همکار قدیمی‌اش جین گولدمن و براساس کتاب زمان «سرویس مخفی» نوشته مارک میلار و دیو گیونز نگاشته است، تا توانسته فضای جیمزباندی و جاسوس‌بازی را به این فیلم بخشیده است. کاراکترهای بریتانیایی به نودسته کلی سطح بالاها و سطح پایین‌ها تقسیم می‌شوند ولی کاراکترهای منفی قصه اغلب آمریکایی‌اند و در فیلم نخست هم ساموئل ال کسونس نماینده ارشد آن جمع بود. این قصه‌ای است که اگر سازندگان «مرد پادشاه» بخوانند، به فرانچیزی دیربا- البته نه به‌طول مدت (۲۰۰۷) تبدیل خواهد شد و این جمع نااهمگون آماده است تا دور جهان را بگردد و برای توزیع مواد مخدر، هر مانعی را از پیشش ببرد و دارد و آگری ان وین برابری با آن به قسمت‌های بعدی این فیلم بشدت محتاج است! منبع: USA.Today

منبع: Herald Tribune